

بررسی رابطه جنگ نرم و شکاف‌های قومی در جمهوری اسلامی ایران:
مطالعه موردی نقش شبکه‌های بی بی سی، رادیو فردا و صدای آمریکا
غلامعلی سلیمانی^۱، زهرا رضانزاد^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۳۰

چکیده:

تحول در ماهیت قدرت به تحول در ماهیت جنگ‌ها نیز منجر شده است؛ اگر جنگ سخت با اشغال سرزمین، تضعیف یا براندازی یک نظام سیاسی با بهره‌گیری از ابزار نظامی محقق می‌شود، جنگ نرم با تأثیرگذاری بر ادراکات، نظام شناختی، باورها و ارزش‌های یک ملت، اندیشه و الگوی اداره کشور را به چالش می‌کشد. تکنیک‌های رسانه‌ای از جمله مهم‌ترین روش‌های مورد استفاده جنگ نرم است؛ رسانه‌ها از طریق روایت‌سازی، اذهان مخاطبان را شکل می‌دهند و یا نظام شناختی آنها را تغییر داده و با باورها و ارزش‌های نوینی جایگزین می‌کنند و از این طریق به رفتارها و کنش‌های فردی و اجتماعی آنان جهت می‌دهند. در این مقاله به دنبال یافتن پاسخ به این سوال هستیم که در رسانه‌های مورد بررسی در این پژوهش یعنی؛ بخش فارسی شبکه خبری بی بی سی، بخش فارسی رادیو اروپای آزاد موسوم به رادیو فردا و بخش فارسی صدای آمریکا - چه تصویری از رابطه اقوام با ساخت سیاسی منعکس می‌شود؟ روش جمع‌آوری اطلاعات بر اساس مطالعه کتابخانه‌ای و جستجو در سایت‌های شبکه‌های خبری مورد بررسی؛ بی بی سی، رادیو فردا و صدای آمریکا در یک بازه ده ساله ۱۳۹۱-۱۴۰۱ است. برای تحلیل مطالب از روش تحلیل محتوای کمی و کیفی استفاده شده است. به نظر می‌رسد طرح تبعیض سیستماتیک (نظام‌مند) بهترین دستور کار رسانه‌های مورد بررسی است تا از این مجرا تعمیق گسل‌ها و شکاف‌ها و تبدیل تفاوت‌ها و تمایزها به اختلافات میسر شود.

واژگان اصلی: جنگ نرم، شکاف قومی، جمهوری اسلامی ایران، بی بی سی، رادیو فردا، صدای آمریکا.

۱. استادیار گروه انقلاب و اندیشه سیاسی در اسلام دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

soleimani1359@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری مدرسی انقلاب اسلامی دانشگاه تهران، تهران، ایران

مقدمه

جنگ نرم نوعی تلاش برنامه‌ریزی شده برای تأثیر نهادن بر حکومت‌ها، گروه‌ها و مردم کشورها به منظور استحاله‌ی فرهنگ مورد نظر و ترویج ارزش‌های فرهنگ مهاجم است (نائینی، ۱۳۹۱: ۱۴۱). هدف جنگ نرم تغییر باورها، تشکیک در ارزش‌ها، ایجاد شبهه در اذهان، تغییر گروه‌های مرجع و تشدید شکاف‌های اجتماعی و تغییر مفاهیم، تغییر ذائقه‌ها، ایجاد شکاف فرهنگی بین نسل‌ها و خدشه در مشروعیت نظام سیاسی است (نوروزی، ۱۳۹۸: ۳۱). جنگ نرم به جای رویکرد تغییر از بیرون بر تغییر از درون استوار است و بر نوعی همپاشیدگی اجتماعی و گسست در عناصر همبستگی ساز تأکید دارد.

بهره‌گیری از رسانه، اعم از رسانه‌های دیداری، شنیداری، نوشتاری و چندگانه (ایتترنت و ...) از مهم‌ترین روش‌های مورد استفاده در جنگ نرم است. رسانه‌ها به منزله ابزارهایی قلمداد می‌شوند که با استفاده از آن می‌توان اذهان مخاطبان را دستکاری کرد، نگرش‌های نوینی در اذهان آنان شکل داد، نظرات و نگرش‌های پیشین آنان را تغییر داد، ارزش‌های نوینی در اذهان آنان کاشت و به رفتارها و کنش‌های فردی و اجتماعی آنان جهت داد (خانی، ۱۳۹۰). از طرف دیگر شکاف‌های اجتماعی یکی از مهم‌ترین بستری‌هایی است که آماج جنگ نرم قرار دارد. شاید به جرات بتوان گفت که هیچ جامعه‌ای را نتوان پیدا کرد که شکلی از شکاف‌های اجتماعی در آن وجود نداشته باشد. شکاف‌های اجتماعی بر اساس نقاط افتراق و تفاوت شکل گرفته است. بر اساس یک تعریف «شکاف‌های اجتماعی در واقع تعریف‌کننده نقاط تفاوت و افتراق افراد و گروه‌های گوناگون یک جامعه درباره ارزش‌ها، ایدئولوژی‌ها، دیدگاه‌های سیاسی، خواسته‌ها و مطالبات، طبقه اجتماعی و جایگاهی که افراد در قشربندی اجتماعی دارند، است» (حلیمی، ۱۳۹۶).

ساختار اجتماعی ایران دارای چندین شکاف اجتماعی است که در شکل فعال، نیمه فعال و یا غیرفعال و در حالت متراکم و متقاطع دیده می‌شوند. به عنوان یک جامعه در حال گذار هم وام‌دار شکاف‌های جامعه سنتی است و هم باردار شکاف‌های جامعه مدرن. شکاف‌های قومی، فرهنگی و زبانی مربوط به جامعه سنتی و شکاف‌های طبقاتی، نسلی و جنسی از جمله شکاف‌های جوامع مدرن محسوب می‌شوند (بشیری، ۱۳۸۱: ۱۰۳). در میان شکاف‌های متعدد ساختار اجتماعی، شکاف قومی یکی از مهمترین شکاف‌هاست که در حالت فعال و نیمه فعال و راکد و همین‌طور متراکم و متقاطع دیده می‌شود.

در میان خیل عظیم مخاطبان جنگ نرم، بی تردید اقوام یکی از مهمترین آنها هستند. نخبه‌گان

قومی و توده مردم، هر کدام به تناسب جایگاه اجتماعی و فکری خویش تحت تاثیر خوراک فکری تولید شده رسانه‌ها قرار دارند. در اینجا هدف جنگ نرم تمرکز بر روی شکاف‌ها با هدف تقویت گسل‌ها و تشدید تفاوت‌ها و تمایزهاست تا وحدت و هویت ملی را تضعیف نماید. تحلیل محتوای برنامه‌های شبکه‌ی تلویزیونی فارسی آمریکا و رادیو فردا و نیز بررسی برنامه‌های خبری و تحلیلی بی‌بی‌سی فارسی و رادیو بی‌بی‌سی نشان می‌دهد موضوع اقوام و شکاف‌های قومی یکی از برنامه‌های پرتکرار آنها محسوب می‌شود. با وجود اهمیت بسیار زیاد این مساله جستجوی نگارندگان حاکی از قلت پژوهش‌های کافی در این زمینه است و غالب اثار موجود بیشتر به بحث درباره جنگ نرم پرداخته‌اند؛ برای مثال محمد نائینی (۱۳۹۱)، در کتاب «اصول مبانی جنگ نرم»؛ مبانی نظری و مفاهیم بنیادین مرتبط با جنگ نرم را بررسی نموده و در ادامه به بیان سناریوها و الگوهای آمریکا در برخورد با ایران پرداخته است. این کتاب به دنبال شناخت بیش‌تر چرایی، چیستی و چگونگی شکل‌گیری جنگ نرم می‌باشد. محمود رضا گلشن پژوه (۱۳۹۳)، نیز در کتاب «جنگ نرم ۶»؛ به بررسی سلطه رسانه‌ای غرب و به خصوص آمریکا بر فضای رسانه‌ای جهانی و همچنین مفهوم امپریالیسم فرهنگی پرداخته است. در ادامه نیز تحلیلی از کارکرد اهداف و ساختارهای شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان به خواننده ارائه می‌دهد. نویسنده همین‌طور شناسایی و ارزیابی اجمالی از برخی از شبکه‌های فارسی‌زبان از جمله بی‌بی‌سی فارسی، رادیو فردا، فارسی وان و ... آورده شده است.

در مقاله «نقش فرهنگ تعاملی اقوام ایرانی در تقویت قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران» (زارعی، ۱۳۹۴) به نقش اقوام در قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران پرداخته شده است و محقق در پی اثبات این فرضیه است که اقوام ایرانی با نگرش فرهنگ تعامل‌گرایی و با شاخصه‌های نگرش مسالمت‌آمیز، انسجام فرهنگی و هویت ملی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران تاثیرگذارند. همچنین در مقاله «مطالعه جامعه‌شناختی جنگ نرم در بافت‌های شهری با تاکید بر راهبردهای رسانه ملی در شهر ایرانی - اسلامی» (چرامی و همکاران، ۱۳۹۷) محققان به تدوین الگویی برای برنامه‌ریزی و طراحی بافت‌های شهری برخوردار از عناصر شاخص مذهبی در برابر جنگ نرم شهری پرداخته‌اند که می‌تواند درباره شکاف‌های اجتماعی پیرامون شهر-روستا و یا مرکز-پیرامون کاربرد داشته باشد که خارج از موضوع این پژوهش هستند.

در مقاله «جنگ نرم و تاثیرگذاری بر اقوام ایرانی» از «امانت بهبهانی، ۱۳۹۳» به این نکته اشاره شده است که دشمن با روشها و ابزارها و تاکتیک‌های متنوع جنگ نرم به ویژه در قالب جنگ

رسانه‌های به دنبال ایجاد فضای بدبینی، یأس و ناامیدی و بی اعتمادی نسبت به نظام سیاسی در ذهنیت اقوام ایرانی است تا ضمن ایجاد شکاف‌های اجتماعی در ایران، انقلاب اسلامی را از سرمایه بزرگ اجتماعی محروم سازند. نویسنده در ادامه به برخی از این قالب‌سازی‌های رسانه‌ای اشاره کرده است که در خصوص اقوام ایرانی به کار گرفته شده است. این پژوهش مبتنی بر مطالعه محتوای رسانه‌ها نیست و بیشتر بر داوری نویسنده استوار است.

دیکن در بررسی خود با موضوع «مواضع وزارت خارجه‌ی آمریکا در قبال اقوام ایرانی»، نشان می‌دهد که دستگاه‌های دیپلماسی و تبلیغی آمریکا، در پی «تحریک» اقوام ایرانی با هدف به چالش کشیدن نظام حاکم در ایران هستند. (۲۰۰۸) الیوت و همکاران نشان داده‌اند که حمایت مستقیم و غیرمستقیم از گروه‌های واگرای قومی و تحریک اقوام ایرانی برای انجام کنش‌های اعتراض‌آمیز علیه نظام جمهوری اسلامی از دهه‌ی اول انقلاب اسلامی، توسط دولت‌های غربی صورت گرفته است (نائینی، ۱۳۹۱: ۲۳۷-۲۳۸).

بررسی اولیه برنامه‌های شبکه‌ی خبری بی بی سی، تلویزیونی فارسی صدای آمریکا و رادیو فردا نشان می‌دهد که یکی از موضوعات ثابت آن رسانه‌ها موضوع اقوام است. با عنایت به این موضوع در این تحقیق سوالی که به دنبال پاسخ به آن هستیم که رسانه‌های مورد بررسی چه تصویری درباره رابطه اقوام ایرانی با ساخت سیاسی نشان می‌دهند؟ به نظر می‌رسد طرح تبعیض سیستماتیک (نظام‌مند) مهترین دستور کار رسانه‌های مورد بررسی است تا از این مجرا تعمیق گسل‌ها و شکاف‌ها و تبدیل تفاوت‌ها و تمایزها به اختلافات میسر شود. بدین منظور ابتدا به بیان نظری مفاهیم اصلی پژوهش پرداخته است و در ادامه ضمن تحلیل محتوای شبکه‌های مورد بررسی به نتیجه گیری و ارائه یافته‌های تحقیق پرداخته است.

چارچوب مفهومی و نظری پژوهش: جنگ نرم در بستر شکاف‌های اجتماعی

در این بخش از مقاله به بررسی نسبت میان مفاهیم اصلی پژوهش یعنی «جنگ نرم» و «شکاف‌های اجتماعی» خواهیم پرداخت تا از این طریق با ساخت یک بنیاد نظری ارتباط این دو مقوله را مورد واکاوی قرار دهیم.

۱: جنگ نرم

جنگ نرم از جمله عملیات‌های روانی و به عنوان یکی از اشکال جنگ است. برخی از تعاریف ارائه شده برای جنگ نرم عبارتند از: مجموعه اقدامات برنامه‌ریزی شده که موجب دگرگونی در

هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری مورد قبول نظام سیاسی در عرصه‌های مختلف شود؛ مجموعه تدابیر و اقدامات از پیش اندیشیده فرهنگی، سیاسی و اجتماعی کشورها که بر نظرات، نگرش‌ها، انگیزش و ارزش‌های مخاطبان آماج (اعم از حکومت‌ها، دولت‌ها، گروه‌ها و مردم کشورهای خارجی) تأثیر می‌گذارد و در بلند مدت موجب تغییر منش، رفتار و کنش‌های فردی و اجتماعی آنان می‌شود؛ هر گونه اقدام غیر خشونت‌آمیز که ارزش‌ها و هنجارهای جامعه هدف را مورد هجوم قرار می‌دهد و سرانجام منجر به تغییر در الگوهای رفتاری موجود و خلق الگوهای جدیدی می‌شود که با الگوهای رفتاری مورد نظر نظام حاکم تعارض دارند (نائینی، ۱۳۹۱: ۱۴۱-۱۴۴). جوزه نای، جنگ نرم را استفاده یک کشور از قدرت نرم به منظور دستکاری افکار عمومی کشور آماج و تغییر ترجیحات، نگرش‌ها و رفتارهای سیاسی آنان می‌داند (نای ۱۳۷۸: ص ۲) عاملان جنگ نرم در پی آن هستند تا با بهره‌گیری از سازوکارها و روش‌های فرهنگی بر ارزش‌های بنیادی جامعه، نگرش‌ها، ترجیحات اساسی آداب و رسوم، منش و رفتار اجتماعی، تأثیر بگذارند و آن را دستخوش تغییر قرار دهند تا از این طریق بر هویت مردم جامعه، انسجام اجتماعی، سرمایه اجتماعی، الگوهای رفتاری و دلبستگی ملی تأثیر بگذارند (عقیلی، ۱۳۹۲: ۳۲).

۱-۱: گروه‌های هدف جنگ نرم

مخاطبان جنگ نرم همگی افراد و گروه‌های جامعه هستند. لیکن متناسب با هر گروه ابزارها و شیوه‌های مختلفی مورد استفاده قرار می‌گیرد. (ملتون و همکارانش ۲۰۰۵) برخی روشن‌فکران و تحصیل‌کردگان را از جمله اهداف و مخاطبان جنگ نرم می‌دانند و آنان نیز با تبلیغات، روشن‌گری و آموزش بر توده‌های مردم تأثیر می‌گذارند و از آن طریق موجب شکل‌گیری افکار عمومی جامعه می‌شوند. بروس و اولندیک (۲۰۰۸) نشان داده‌اند که جامعه دارای دو نوع افکار عمومی است: افکار عمومی نخبگان و افکار عمومی توده. به زعم آنان افکار عمومی نخبگان سریع‌تر از افکار عمومی جامعه شکل می‌گیرد. به همین سبب، نهادهای سیاسی و عاملان و کارگزاران دستکاری نگرش‌های سیاسی، بیش از هر چیز در پی شکل‌دهی به افکار عمومی این گروه هستند. محققان دیگر، از گروه‌های مرجع سخن به میان آورده‌اند. به باور آنان در هر جامعه‌ای افراد روشن‌فکری وجود دارند که سهم و نقش زیادی در شکل‌گیری افکار عمومی جامعه دارند. از این افراد که با اسامی مختلفی نظیر: «رهبران فکری»، «افکارسازان»، «مدل‌های فکری» و جز آن یاد می‌شود. در جریان اشاعه‌ی فرهنگی و تغییر فرهنگ‌پذیری، این گروه از افراد، بیش از بقیه آماج قرار می‌گیرند. با تغییر نظرات،

نگرش‌ها و ارزش‌های این گروه زمینه و بستر مساعدی برای تغییر سایر افراد جامعه فراهم می‌شود. به‌زعم ارونسون و پراتکانیس (۲۰۰۳) افراد روشن‌فکر زودتر از سایر افراد جامعه در برابر پدیده‌های فرهنگی، رفتار خویش را تغییر می‌دهند. به همین سبب، می‌توان آن‌ها را آماج‌های اولیه تغییرات فرهنگی تلقی کرد. (نائینی، ۱۳۹۱: ۲۳۲-۲۳۳). گسترش رسانه‌ها و دسترسی آسان به آنها مخاطبان وسیعی را در اختیار آنها قرار داده است که تنها به گروه‌های نخبه محدود نیست، بلکه تمام اقشار جامعه مورد توجه رسانه‌های جنگ نرم هستند.

۲-۱: شیوه‌ها و تکنیک‌های جنگ نرم

تکنیک‌های رسانه‌ای از جمله مهم‌ترین روش‌های مورد استفاده عاملان جنگ نرم است. سایت‌ها و نشریات اینترنتی راه اندازی شده که به تهیه‌ی خبر، گزارش، مصاحبه و ارائه راهکارها به مخالفان می‌پردازند، از چنان اهمیتی برخوردار است که طی سال‌های اخیر بودجه‌های هنگفتی را برای آن‌ها منظور کرده‌اند. بهره‌گیری از فستيوال‌ها و جشنواره‌های هنری و شناسایی هنرمندان برجسته یک جامعه و فراخوانی آن‌ها به جشنواره‌های هنری، از جمله روش‌های اثر بخش برای تأثیر نهادن بر آن‌ها و ایجاد جهت‌گیری‌های سیاسی و فرهنگی است. (نائینی، ۱۳۹۱: ۶۹). جنگ نرم زمانی اثر بخش است که برای انتشار آن از رسانه یا ابزار مناسب سود جسته شود. انتخاب رسانه با پیام‌های جنگ نرم، گروه‌های آماج و شیوه‌های اتخاذ شده ارتباط دارد. چنانچه طراحان جنگ نرم و کارگزار عملیات روانی بخواهند بر شهروندان عادی یک جامعه تأثیر فوری و هیجانی بگذارند، تلویزیون، رسانه مناسبی است، اما اگر بخواهد بر روشنفکران و تحصیل‌گروه‌های جامعه تأثیر بگذارد، رسانه نوشتاری از اهمیت بیشتری برخوردار است. (کیونگ کیم و جورج بارت، ۱۳۸۹: ۸).

نود درصد از اخبار بین‌المللی منتشره در رسانه‌های جهان از چهارغول رسانه‌ای و خبرگزاری غربی «یونایتد پرس»، «آسوشیئدپرس»، «فرانس پرس» و «رویتر» است. اخبار آنها را غول‌های رسانه‌ای چندملیتی تکمیل می‌کنند؛ از «مورداک تایمز وارنر» تا «سی ان ان» که تقریباً همه آنها امریکایی است. جنگ نرم، به ویژه در بعد سیاسی، بدون بهره‌گیری فراگیر از انواع رسانه‌ها محقق نمی‌شود. رواج روزافزون شبکه‌های ماهواره‌ای، گسترش سرسام آور سایت‌های اینترنتی و پرشمار شدن تعداد نشریات و روزنامه و افزایش میلیونی شمارگان آن‌ها، اعمال جنگ نرم و تأثیرگذاری بر نگرش‌ها و نظرات مخاطبان آماج را روز به روز سهل‌تر می‌کند. از همین روی گفته می‌شود که رسانه‌ها کار را برای حکومت‌ها دشوار کرده‌اند. (نائینی، ۱۳۹۱: ۴۸۱).

۲: شکاف‌های اجتماعی

منظور از شکاف اجتماعی عوامل گسستی است که جامعه را از نظر جمعیتی به چند گروه متفاوت تقسیم می‌کند و این گروه بندی‌ها ممکن است، شکل‌ها و سازمان‌های سیاسی پیدا کنند. به بیان دیگر، شکاف‌های اجتماعی خطوط رقابت و منازعه بر سر هنجارها، باورها، ارزش‌ها، شان و منزلت و اقتدار اجتماعی هستند (بشیریه، ۱۳۸۸: ۹۹). کمتر جامعه‌ای را می‌توان یافت که فاقد شکاف اجتماعی باشد، یا تنها دارای یک شکاف باشد. عواملی مثل نوع شکاف‌ها، تعداد آنها و همین‌طور نحوه صورت‌بندی آنها، سیاست و اجتماع متفاوتی را در پی دارد؛ به هر میزان که شمار و پیچیدگی شکاف‌های اجتماعی، نحوه صورت‌بندی و تنوع آنها بیشتر باشند، جریان‌ها و گروه‌ها و احزاب سیاسی برای پوشش آنها متعدد و متکثر می‌شوند. شکاف‌های اجتماعی از ویژگی پایداری و تداوم برخوردار بوده و از سایر پدیده‌های اجتماعی که در کوتاه مدت شکل می‌گیرند، متفاوت هستند. بنابراین، شرط پایداری زمینه را برای گروه‌بندی‌ها و صف‌بندی‌ها در جامعه حول محور آنها فراهم می‌کند. (همان).

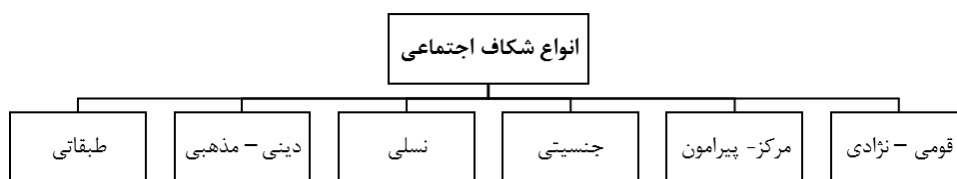
شکاف‌های اجتماعی از نظر پیدایش هم متفاوت هستند؛ به عبارتی دیگر برخی شکاف‌ها ماهیت ساختاری و برخی ماهیت تاریخی یا تصادفی دارند. شکاف‌های ساختاری به دلیل برخی ویژگی‌های دگرگونی‌ناپذیر و پایدار در جوامع پدید آمده و همواره وجود دارند، مثل شکاف‌های طبقاتی، جنسی و نسلی. برخی دیگر از شکاف‌های اجتماعی حاصل سرنوشت تاریخی یک کشور هستند و بنابراین ضرورت ساختاری ندارند، مثل شکاف‌های مذهبی و فرقه‌ای، شکاف میان دین و دولت، شکاف‌های قومی، زبانی و نژادی. به بیان فردریک ویل^۱ این دسته از شکاف‌ها انتسابی هستند، بدین معنا که ناشی از هویت‌های اولیه هستند؛ یعنی فرد با آنها به دنیا می‌آید و غالباً غیرقابل تغییر و تعویض‌اند و «طبیعی» محسوب می‌شوند (Weil, 1992, pp. 1492-1485).

جامعه‌شناسی سیاسی به شکاف‌هایی توجه دارد که فعال هستند، به این معنا که هم‌زمان سه عنصر آگاهی سیاسی، سازماندهی و عمل سیاسی را دارا هستند. بنابراین، شکاف‌های غیرفعال هنوز زمینه ظهور و بروز اجتماعی پیدا نکرده‌اند. در شناسایی شکاف‌های اجتماعی می‌بایست بین دو دسته از جوامع تفاوت و تمایز قائل شد؛ جوامع در حال گذار استعداد بیشتری برای تولید شکاف دارند. این جوامع از طرفی وام‌دار شکاف‌های جامعه‌سنتی بوده و از طرف دیگر باردار شکاف‌های جامعه مدرن می‌باشند. در این جوامع شکاف‌های قومی، فرهنگی و زبانی مربوط به جامعه سنتی کم و بیش

¹- Frederick Weil

فعال‌اند و از سوی دیگر، شکاف‌های جامعه مدرن مثل شکاف طبقاتی و شکاف نسل‌ها نمودار می‌شوند. به عبارت دیگر جوامع در حال گذار یا جوامع نیمه سستی - نیمه مدرن دچار شکاف عمیق و اساسی دیگری نیز هستند که ناشی از همان دوپارگی سراسری آنها است. این دوپارگی معمولاً تحت عنوان اقتصاد دوگانه، دوگانگی فرهنگی و شکاف تجدد و سنت‌گرایی بررسی می‌شوند. به موجب این شکاف، طبقات اجتماعی قدیم در مقابل طبقات اجتماعی جدید قرار می‌گیرند. در این گونه جوامع، زندگی سیاسی تحت تأثیر منازعات و کشمکش‌های دو نیمه‌ی جامعه قرار دارد و دولت گرچه ممکن است بیشتر نماینده بخش سستی و یا مدرن باشد، لیکن به هر حال مجبور می‌شود به شیوه نوسان آمیزی روابط خود را با هر دو بخش تحکیم کند (بشیریه، ۱۳۸۸، ۱۰۳).

ساختار اجتماعی ایران دارای چندین شکاف اجتماعی است. این شکاف‌ها عبارتند از:



الف: شکاف طبقاتی

فاصله میانگین برخورداری از (حداقل) چهار نوع سرمایه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بین گروه‌های با برخورداری تقریباً یکسان فاصله طبقاتی است که اگر این فاصله با رقابت و آمادگی رویارویی بین گروه‌ها همراه باشد، به شکاف طبقاتی تبدیل شده است؛ به بیان دیگر، طبقه افراد بیان‌کننده میزان برخورداری و دسترسی آنان به منابع است و اگر فاصله دسترسی به منابع چهارگانه زیاد باشد، ممکن است سبب شکاف طبقاتی شود (پرچمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۲).

شکاف طبقاتی به مسئله نابرابری اجتماعی و اقتصادی برمی‌گردد. ضریب جینی به عنوان یک شاخص بیانگر فاصله طبقاتی است. در جوامع دارای شکاف طبقاتی تقسیم‌بندی جامعه به دو بخش بالا و پایین به راحتی امکان پذیر است درباره ایران برای مثال تحقیقات صورت گرفته در خصوص شکاف میان طبقات بالا و پایین جامعه در قبل و پس از انقلاب حاکی از این است که به دلیل بی‌عدالتی در توزیع درآمدها، جامعه ایران در این سالها؛ همواره از نابرابری اجتماعی و اقتصادی رنج برده است. البته بعد از انقلاب اقداماتی برای کاهش نابرابری در قانون و در عمل انجام گرفت، با این

حال شکاف طبقاتی در ایران امروز فعال است و در آینده نزدیک هم نمی‌توان این شکاف را از میان برد (مرسلی، ۱۳۹۵: ۴).

ب: شکاف دینی - مذهبی

این شکاف به معنای تمایز و گروه‌بندی میان پیروان ادیان در یک جامعه و یا بین پیروان فرقه‌های مختلف یک دین یا مذهب است. در جوامعی که دین نقش پررنگی در ایجاد هویت و متمایز کردن گروه‌ها دارد، به این شکاف بیشتر توجه می‌شود (پرچمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۲). براساس اطلاعات آماری سال ۱۳۹۰، بیش از ۹۰ درصد جمعیت کشور مسلمان می‌باشند و اکثریت مطلق جمعیت شیعه هستند، با این حال برخی از فرآیندهای داخلی و خارجی باعث به وجود آمدن شکاف دینی - مذهبی شده است. به طور مثال اختلاف میان شیعه و سنی که ریشه تاریخی دارد. این شکاف اعتقادی، در طول تاریخ مورد سوء استفاده حکام و سیاستمداران قرار گرفته و با شکاف‌های دیگر مانند شکاف‌های ملی، قومی، زبانی و حتی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ترکیب شده است (دهقان و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۷).

ج: شکاف نسلی

فاصله تدریجی در احساس، تفکر، ارزش‌ها و رفتار بین دو یا سه نسل متوالی، وضعیت جدیدی را ایجاد می‌کند که شکاف نسلی^۱ نامیده می‌شود. این وضعیت معمولاً میان نسل‌های نوجوان و جوان با نسل‌های قبلی پدیدار می‌شود (پرچمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۲). این پدیده به چگونگی تداوم فرهنگ یک جامعه از نسلی به نسل دیگر مربوط می‌شود. اگر در فرآیند اجتماعی کردن کودکان، نوجوانان و جوانان، فرهنگ یک جامعه تا حد مطلوبی از نسلی به نسل دیگر منتقل شود، و بازتولید فرهنگی به نحو احسن انجام پذیرد، میزان اشتراک فرهنگی بین دو نسل بسیار بالا می‌رود و اختلاف فاحشی بین دو نسل بوجود نمی‌آید. در مقابل، اگر فرآیند اجتماعی کردن به علل داخلی و خارجی دچار مشکل شود و به طور ناقص انجام پذیرد، و فرهنگ جامعه در حد مطلوبی به نسل بعد منتقل نشود، تداوم فرهنگی جامعه دچار مشکل می‌شود و بین نسل جدید و قدیم فاصله و شکاف می‌افتد. معمولاً فاصله نسلی به اختلافات مهم بین دو نسل در تجربه، ارزش‌ها و هنجارها، به طور کلی به اختلاف و شکاف فرهنگی قابل توجه بین دو نسل گفته می‌شود. مثلاً فاصله نسلی را فرهنگ

^۱ - Generation Cleavages

آکسفورد، اختلاف در نگرش یا نبودن تفاهم و درک متقابل بین جوانان و افراد مسن تعریف کرده است (مرسلی، ۱۳۹۵: ۴).

مؤلفه‌های متعددی در تشخیص هرگونه شکاف یا گسست نسلی قابل مشاهده است، از جمله موارد کاهش ارتباط کلامی میان نسل بالغ و جوان، اختلال در فرآیند همانندسازی و عدم تبعیت کامل فرزندان از والدین، تغییر گروه مرجع جوانان، کاهش فصل مشترک‌های عاطفی میان نسلی، عدم تعهد به فرهنگ نسل پیشین، ناپردباری و کاهش تسامح، تساهل و تحمل میان نسل‌ها (همان).

د: شکاف جنسیتی

این شکاف فاصله در شیوه‌های رفتاری زنان و مردان است. پس از اعطای حق رأی به زنان، الگوی مشارکت سیاسی و رفتار رأی‌دهی زنان و مردان، این فاصله متفاوت و به مطالبات مربوط به برابری جنسیتی تبدیل شده است (پرچمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۲). شکاف جنسیتی نیز به وجود گسست‌های اجتماعی و فرهنگی بین زنان و مردان اشاره دارد که با چهار شاخص مشارکت و فرصت اقتصادی، دستیابی به آموزش، بهداشت و بقاء و توانمندسازی سیاسی سنجیده می‌شود (مرسلی، ۱۳۹۵: ۴).

و: شکاف مرکز- پیرامون

منظور از شکاف مرکز - پیرامون فاصله قابل ملاحظه در شاخص‌های توسعه میان مرکز با نواحی پیرامونی است. به عبارتی دیگر توزیع جغرافیایی جمعیت و میزان بهره‌مندی از این شاخص‌ها به تبع توزیع جغرافیایی باعث شکل‌گیری نوعی از شکاف اجتماعی شده که می‌توان آن را به شکاف مرکز-پیرامون تعبیر کرد.

رشد کمی جمعیت ایران در طی دهه‌های اخیر در شرایطی اتفاق افتاده که هماهنگی لازم را با رشد کیفی شاخص‌های اجتماعی ندارد. به رغم اینکه شاخص آموزش، بهداشت، شهرنشینی و ... بهبود یافته، اما توزیع جغرافیایی جمعیت و میزان بهره‌مندی از این شاخص‌ها به تبع توزیع جغرافیایی باعث شکل‌گیری نوعی از شکاف اجتماعی شده که می‌توان آن را به شکاف مرکز-پیرامون تعبیر کرد (مرسلی، ۱۳۹۵: ۴).

تأکید بیش از حد دولتهای گذشته بر مسائل سیاسی - اقتصادی کلان مرکز و عدم توجه جدی به پیرامون باعث غافل شدن از نظارت بر زنجیره سیاسی - اقتصادی در مناطق حاشیه‌ای کشور شد. به گونه‌ای که این وضعیت حاصلی جز تشدید رشد نارضایتی عمومی در بین حاشیه‌نشینان و

فروستان جامعه نسبت به سیاست‌های اقتضا شده در مرکز نداشت. در حقیقت عدم پاسخگویی به نیازها و مشکلات اقتصادی، نخبه گرایی و عدم توجه به مناطق حاشیه ای و طبقه فرودست، موجب دلزدگی بخش وسیعی از جامعه که طبقه فرودست و طبقه متوسط رو به پایین جامعه را تشکیل داده، شد (یوسفی جویباری و همکاران، ۱۴۰۰: ۹۳).

ه: شکاف قومی - نژادی

تعاریف متعددی از قوم و قومیت وجود دارد، ویکتور کوزلوف^۱ معتقد است: «قوم یک سازمان اجتماعی تشکیل یافته ای است که بر پهنه ی سرزمین معینی قرار دارد و شامل مردمی است که در طول تاریخ با هم پیوندهای اقتصادی، فرهنگی، خویشاوندی و ... برقرار کرده‌اند، دارای زبان، ویژگی‌های قومی، ارزش‌های اجتماعی و سنت‌های مشترک هستند (ابوطالبی، ۱۳۷۸: ۱۳۱). گسست بین قومیت‌ها به چهار حوزه مذهب، زبان، آداب قومی و حافظه تاریخی اشاره دارد و بر پایه این چهار شاخص کلیدی اقوام ترک، کرد، لر، بلوچ، ترکمن و عرب در یکی از شاخص‌های با اکثریت فارس زبان مشترک نیستند (پرجمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۲).

از منظر جامعه‌شناسی سیاسی یکی از شکاف‌های اجتماعی در جوامع چند قومی، «شکاف‌های قومی» است. شکاف‌های قومی آن گاه که منجر به شکل‌گیری نیروها و گروه‌ها و جریان‌های اجتماعی شوند، شکاف‌های قومی فعال‌اند و در غیر این صورت، شکاف‌های قومی غیرفعال و خشی. در حال حاضر تنها ده درصد از کشورهای جهان را می‌توان به لحاظ قومی همگن و یکدست تلقی کرد. در بقیه کشورها چندین گروه قومی و زبانی در کنار هم زندگی می‌کنند. و موضوع فعال شدن شکاف‌های قومی در مناطق مختلف جهان و نحوه برخورد با آنان از جمله مسائلی است که ذهن بسیاری از پژوهشگران را به خود جلب کرده است.

ایران نیز از زمره کشورهایی است که گروه‌های قومی، مذهبی و زبانی متعددی در آن ساکن هستند. در حال حاضر با استناد به امارهای مختلف بین ۴۰ تا ۵۰ درصد جمعیت ایران را اقلیت‌های قومی غیرفارس و اقلیت‌های مذهبی تشکیل می‌دهند. به رغم دگرگونی‌های مختلف در یک سده اخیر که بسیاری از تمایزات و ناهمگونی‌های قومی، مذهبی و زبانی را کمرنگ کرده است، نمی‌توان جامعه کنونی ایران را به لحاظ جمعیتی یک دست و همگن تلقی کرد. حداقل شش گروه اصلی و

^۱ - قوم شناس

مهم فارس‌ها، ترک‌ها، کردها، بلوچ‌ها، عرب‌ها و ترکمن‌ها و چندین گروه فرعی قومی و زبانی به همراه چندین اقلیت مذهبی در ایران کنونی قابل تشخیص هستند. به طور تقریبی نیمی از استان‌های کشور که همگی استان‌های مرزی هستند به طور مستقیم درگیر تنوع قومی می‌باشند. جلوه‌های تنوع و تمایزات قومی در ایران علاوه بر اینکه در نمادهای بادوامی چون سکونت، زبان، سنت‌ها و فرهنگ بومی مناطق و اقوام مختلف خود را نشان داده است، گاه نیز به صورت احساسات قومی و کشیده شدن آن‌ها به عرصه کشمکش‌های سیاسی در قالب ناسیونالیسم قومی ظاهر شده است. جدای از منازعات قومی و حرکت‌های گریز از مرکز تجزیه طلبانه قومی در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، وقوع سطوح متفاوتی از کشمکش‌های قومی در مناطق مرزی ایران پس از پیروزی انقلاب از مهمترین چالش‌های امنیتی - اجتماعی نظام جمهوری اسلامی طی سال‌های اخیر بوده است.

گرچه در حال حاضر اقوام ایرانی در نازل‌ترین وضعیت از طیف بحرانی قرار دارند، اما واقعیات تاریخی ایران نشان می‌دهد که تنوع قومی - مذهبی موجود در هر نوع تحول بزرگ سیاسی سرباز کرده و با تبدیل شدن به یک بحران پیچیده سیاسی گاهی تا مدت‌ها ادامه یافته است. به علاوه آنچه مایه دغدغه خاطر است اینکه رشد یک سویه خودآگاهی قومی تضعیف هویت و وحدت ملی را دربردارد. توصیف وضعیت بحرانی قومی در مرحله نازل ان نباید به معنای نادیده گرفتن اهمیت آن تلقی شود، بلکه این خود یکی از موانع جدی توسعه ملی در شرایط فعلی به حساب می‌آید. در حال حاضر فزونی مطالبات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و رشد و شکل‌گیری سازمان‌های سیاسی جدید در میان اقوام افزایش مطبوعات محلی، پیدایش کانال‌های ماهواره‌ای به ویژه با گویش‌های قومی همگی دلالت بر فعالیت شکاف قومی و مذهبی در اطراف مرزهای ایران دارد. نگاهی به چند دهه اخیر نشان می‌دهد که عوامل و زمینه‌هایی مانند بحران در اقتدار دولت مرکزی، تحولات ساختار نظام بین‌الملل، تحولات منطقه‌ای، سیاست قدرت‌های بزرگ و کشورهای منطقه‌ای، توسعه ناموزون، روند کاهش یا افزایش شکاف‌های اجتماعی در کشور، روند گفت‌وگو سازی و ظرفیت‌های بسیج‌گری نخبگان قومی و مذهبی، مهم‌ترین مولفه‌های موثر بر تحولات قومی در بلندمدت به شمار می‌آیند (مرسلی، ۱۳۹۴: ۵۰).

حوادث سال‌های اخیر مانند قضیه اعتراض ترک‌ها به برنامه فیتیله پخش شده در ۱۵ آبان ۱۳۹۴، کاریکاتور روزنامه ایران در سال ۱۳۸۵ یا انتشار سندی جعلی به نام دفتر ریاست جمهوری درباره مسائل جمعیتی عرب‌ها در اسفند ۱۳۸۴ و موجب اعتراضات گسترده‌ای شد، به منزله

محرك‌های شتاب‌زا یا کاتالیزور زمینه‌نآرامی مناطق قومی بوده است. حوادثی از این دست، نشان از فعال شدن بیش از پیش شکاف‌های قومی - نژادی در ایران است.

جدول ۱- اقوام ایرانی براساس مذهب، گردش‌نخبگان، وضعیت اقتصادی و وضعیت شکاف قومی

نام قوم	مذهب	گردش‌نخبگان	وضعیت اقتصادی	شکاف قومی
فارس	تشیع	باز	خوب	غیرفعال
لُر	تشیع	باز	ضعیف	غیرفعال
گیلک	تشیع	باز	خوب	غیرفعال
مازنی	تشیع	باز	خوب	غیرفعال
تُرک	تشیع-اقلیت تسنن	باز	خوب	فعال
کُرد	تسنن - تشیع	بسته	ضعیف	فعال
بلوچ	تسنن - تشیع	بسته	ضعیف	فعال
عرب	تشیع - تسنن	تا حدی بسته	ضعیف	فعال
ترکمن	تسنن	بسته	متوسط	فعال

منبع: محمدزاده و سعیدخانی (۱۳۹۷)

۳. نسبت میان جنگ نرم و شکاف‌های قومی؛ ارائه الگوی تحلیلی

یکی از مهترین بسترهایی که جنگ نرم در آن جریان دارد، شکاف‌های اجتماعی است. تحریک گسل‌ها و شکاف‌های اجتماعی و تبدیل آنها از خاموش و نیمه فعال به حالت فعال با بهره‌گیری از ابزارهای مختلف در جنگ نرم با هدف تغییر در نظام شناختی و ادراکی و تصورات و نظام باورها صورت می‌گیرد. در میان گسل‌های متفاوت اجتماعی، شکاف‌های قومی از جمله در دسترس‌ترین اهداف جنگ نرم محسوب می‌شود؛ به ویژه زمانی که شکاف‌های قومی از نوع متراکم باشند و از طریق تجمع با دیگر شکاف‌های اجتماعی از جمله شکاف‌های مذهبی در معرض تحریک قرارگیرد. در صورتبندی نسبت میان جنگ نرم و شکاف‌های قومی، حالت‌های مختلف ذیل را می‌توان متصور شد؛ در یک حالت و در کشورهای دارای تنوع قومی بخشی از اهداف جنگ نرم ایجاد اختلاف میان اقوام از طریق تمرکز روی تفاوت‌های قومی است. اختلافات میان اقوام ماهیت تاریخی و یا برساختی دارند. برجسته ساختن این اختلافات به ایجاد فاصله، بی‌زاری و خصومت میان اقوام منجر می‌شود.

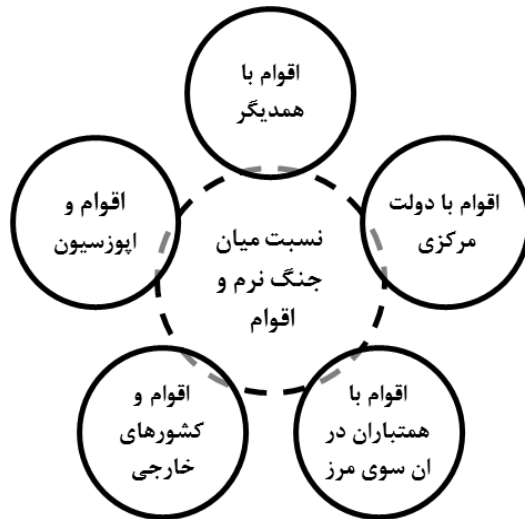
ترویج توهین‌ها و جوک‌های قومی، طرح ادعاها در مورد سکونتگاه‌ها و مناطق قومی و مفاخر و بزرگان قومی و ایجاد رقابت بر سر منابع همه در راستای تحریک اختلاف بین اقوام صورت می‌گیرد. برای مثال تحریک اختلاف میان دو قوم پشتون و تاجیک از این موارد است که ثبات سیاسی در افغانستان را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است.

حالت دیگر در صورت‌بندی نسبت میان جنگ نرم و شکاف‌های قومی، تشدید اختلافات میان اقوام با دولت مرکزی است تا از این طریق رشته پیوندهای موجود میان قوم یا اقوام را با دولت مرکزی تضعیف و سپس قطع نماید. طرح تبعیض‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، امنیتی و اجتماعی یا تبعیض سیستماتیک نسبت به قوم یا اقوام خاص از این منظر صورت می‌گیرد. در شرایط جنگ نرم به هر میزان که تنوع قومی بیشتری وجود داشته باشد، مدیریت تنوع قومی برای دولت مرکزی دشوار خواهد بود.

حالت دیگری از صورت‌بندی میان جنگ نرم و شکاف‌های قومی، در ارتباط با اقوامی است که هم‌تبارانی در آن سوی مرز دارند. در بسیاری از موارد اقوام هم‌تبارانی در کشورهای همسایه دارند که به دلیل مرزبندی‌های سیاسی در کشورهای مختلف پراکنده هستند. رسانه‌ها با طرح هویت واحد قومی و ضرورت ایجاد موجودیت‌های سیاسی به نام دولت - ملت توسط همه اقوام، ضمن عبور از مرزهای سیاسی به شکل‌گیری ارتباط و همگرایی و تقویت پیوندهای فرهنگی میان اقوام واحد در دو سوی مرز کمک می‌کنند و از این طریق زمینه را برای نفوذ و پیشبرد برنامه‌های خویش فراهم می‌سازند.

ابزارهای رسانه‌ای جنگ نرم همچنین در تقویت پیوندهای قومی با کشورهای خارجی و قدرتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای می‌توانند تأثیر گذار باشند. به عبارتی دیگر در این شکل ابزارهای جنگ نرم از اقوام در راستای ضربه زدن به کشورهای متبوع و یا به عنوان ابزاری برای امتیاز‌گیری و چانه زنی‌های دیپلماتیک مورد استفاده قرار می‌گیرد. تسلیح گروه‌های قومی، آموزش سیاسی و اطلاعاتی، در اختیار گذاشتن شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی جهت تبلیغ در این چارچوب صورت می‌گیرد.

بخش دیگری از کارکردهای جنگ نرم ایجاد ارتباط میان نیروهای اپوزوسیون داخلی و یا خارجی با اقوام است. در این صورت نیروی حاصل از تحرک و بسیج قومی در خدمت بخشی از جریان‌های سیاسی اپوزسیون قرار می‌گیرد و به تقویت جایگاه نیروهای اپوزسیون کمک می‌کند. شکل زیر ارتباط میان جنگ نرم و شکاف‌های اجتماعی را نشان می‌دهد.



تحلیل محتوای شبکه های خبری صدای امریکا، رادیو فردا و شبکه بی بی سی در ارتباط

با اقوام ایرانی

برای رصد و تحلیل محتوای شبکه های خبری مورد بررسی یعنی صدای امریکا، رادیو فردا و شبکه بی بی سی فارسی در یک بازه ده ساله تمام مطالب مربوط به اقوام استخراج و در قالب جدول زیر مفهوم بندی شد. آنچه که به نظر می رسد بیش از هر مفهوم دیگری امکان تحلیل محتوای خبری رسانه های مورد مطالعه را تشکیل می دهد، مفهوم «تبعیض نظام مند» است.

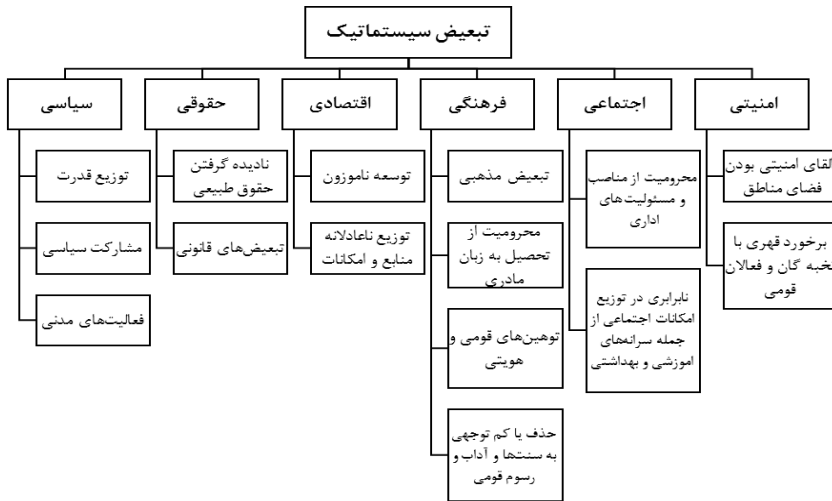
تبعیض از لحاظ لغوی به معنای تقسیم و جداکردن بعضی از بعضی، رجحان بعضی بر بعضی بدون مرجع، اما از نظر اصطلاحی از رفتار نابرابر مردم بر اساس عضویت گروهی است (معین، ۱۳۸۱: ۴۲۲). تبعیض می تواند صورت رسمی یا قانونی داشته باشد یا آن که از تصورات قالبی، خرافات، نگرشها و ... ناشی شده و به طور غیررسمی اعمال گردد (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۷۶۱). بنابراین می توان گفت تبعیض اعتقاد و باوری است که فرد از طریق مقایسه کردن به این نتیجه می رسد که او یا گروه عضویتی او نسبت به دیگران در وضعیتی بالاتر، پایین تر یا برابر قرار دارد (ساروخانی باقر، ۱۳۷۵).

تبعیض پدیده ای است که به گونه نظامند یا غیررسمی و به شکل آشکار یا نامحسوس انجام می شود (کریگر، ۱۹۹۹: ۲۹۵-۳۵۲). بر مبنای یک تقسیم بندی تبعیض ممکن است متاثر از دو منبع باشد؛ تبعیض سیاسی یا تبعیض اجتماعی. تبعیض سیاسی می تواند به شکل قوانین، سیاست ها، عملکردها، نمادها یا کارزارهای سیاسی و گفتمان هایی متجلی شود که می کوشند شماری از شهروندان را از منابع یا حقوق به سبب تعلقشان به یک گروه محروم کنند. به بیان روشن تر تبعیض

سیاسی به کنش‌هایی اشاره دارد که از سوی دولت یا نهادها و سازمان‌های خصوصی و بازیگران وابسته به آن‌ها به منظور مشروعیت‌زدایی یا به حاشیه‌رانی گروهی از مردم در پیش گرفته می‌شود. به لحاظ تاریخی در مقاطع و در کشورهای مختلف برابری گروه‌های متفاوتی به شکل نظامند به لحاظ موضوع‌هایی مانند شهروندی مهاجرت یا آزادی‌های مدنی انکار شده و از منابع اجتماعی-اقتصادی و حقوقی محروم گشته‌اند. در چنین جوامعی شهروندان گروه‌های مختلف قومی ممکن است به شکل‌های مختلف و درجه‌ای متفاوت احساس تبعیض کنند و این احساس مبنای نوع و سطح کنش سیاسی آنها باشد.

در سطح اجتماعی ممکن است برخی گروه‌های قومی، شاهد رفتارهای تبعیض‌آمیز دائمی از سوی افراد عادی جامعه باشند که به آن تبعیض اجتماعی می‌گویند. این تبعیض‌ها در تعاملات عادی و معمولی‌تر میان افراد در سطح عمومی و عرصه خصوصی ممکن است صورت گیرد. برخلاف تبعیض سیاسی یا نظامند، تبعیض اجتماعی به صورت اقدامات منفی انجام شده توسط افراد در ارتباطات اجتماعی، تجاری و اقتصادی و ... یا حتی به شکل مجادله‌های کلامی و غیرکلامی، ارباب، حمله فیزیکی یا غیرفیزیکی نسبت به افراد متعلق به گروه یا قوم دیگر تنها به دلیل تعلق قومی‌شان تعریف می‌شود.

تبعیض از منظری دیگر به دو شکل نظام مند «سیستماتیک» و غیر نظام مند یا «غیرسیستماتیک» یا موردی تقسیم می‌شود. برخلاف تبعیض موردی یا غیرسیستماتیک که اتفاقی و گاه به گاه اتفاق می‌افتد، تبعیض سیستماتیک به شکل مستمر و هدفمند است و ماهیت ساختاری داشته و تغییر و جابه‌جایی نخبه‌گان و چرخش قدرت بین احزاب و جریان‌های مختلف هم باعث از بین رفتن آن نمی‌شود. بر مبنای یک تقسیم‌بندی کلی تبعیض سیستماتیک در اشکال مختلف؛ تبعیض سیاسی (تبعیض در توزیع قدرت، مشارکت سیاسی و فعالیت‌های مدنی)؛ تبعیض حقوقی (نادیده گرفتن حقوق طبیعی و تبعیض‌های قانونی)؛ تبعیض اقتصادی (توسعه ناموزون، توزیع ناعادلانه منابع و امکانات)؛ تبعیض فرهنگی (تبعیض مذهبی، محرومیت از تحصیل به زبان مادری، توهین‌های قومی و هویتی، حذف یا کم توجهی به سنت‌ها و آداب و رسوم قومی)؛ تبعیض اجتماعی (شامل محرومیت از مناصب و مسئولیت‌های اداری و نابرابری در توزیع امکانات اجتماعی از جمله سرانه‌های آموزشی و بهداشتی) و تبعیض امنیتی (القای امنیتی بودن فضای مناطق قومی و برخورد قهری با نخبه‌گان و فعالان قومی) اعمال می‌شود. شکل زیر انواع مختلف تبعیض سیستماتیک را نشان می‌دهد؛



تحلیل کمی محتوای شبکه‌های مورد اشاره حاکی از القای وجود تبعیض سیستماتیک در رابطه با اقوام ایرانی با حکومت مرکزی است. جداول زیر محورها و مولفه‌های استخراج شده را نشان می‌دهد.

محورهای مورد توجه در شبکه تلوزیونی صدای امریکا از سال ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱

مؤلفه	مفهوم	ردیف
تبعیض حقوقی و قانونی	➤ حقوق اقلیت‌های قومی	۱
	➤ نقض گسترده حقوق اساسی اقوام	
	➤ رسیدن اقوام به حقوق اولیه	
	➤ حقوق اقوام	
	➤ احقاق حقوق اقلیت‌های مذهبی و قومی	
	➤ فعالان مدنی و حقوقی قومی	
	➤ منافات با اعلامیه جهانی حقوق بشر	
	➤ نقض حقوق بشر	
	➤ نقض حقوق اقلیت‌های قومی	
	➤ حفظ حقوق اقوام	
	➤ نقض حقوق گروه‌های قومی	
	➤ نقض اساسی‌ترین حقوق سیاسی و مدنی اقلیت‌های قومی	
	➤ خودداری از شناسایی حداقل حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی	
	➤ برای اقوام مختلف ایرانی	
➤ عدم اجرای اصل‌های سوم و نوزدهم قانون اساسی		
➤ اصول معطل مانده قانون اساسی کشور		

<p>تبعیض امنیتی</p>	<ul style="list-style-type: none"> ➤ نقض گسترده حقوق اساسی با احکام زندان طولانی مدت و حتی اعدام ➤ امنیتی بودن و سرکوب شهروندان بلوچ ➤ اعدام فعالان سیاسی، مدنی و عقیدتی قومی ➤ محدودیت، تبعیض، سرکوب و برخوردهای امنیتی و قضایی تبعیض ➤ محدودیت و برخوردهای امنیتی ➤ تبعیضات ناروا و نگاه امنیتی ➤ کشتار کولبران در کردستان ➤ کشتار سوخت‌بران سیستان و بلوچستان 	<p>۲</p>
<p>تبعیض سیاسی</p>	<ul style="list-style-type: none"> ➤ غیر خودی بودن اقوام ➤ شهروند درجه دو بودن اقوام ➤ طایفه‌سازی میان اقوام ➤ جایگزین ساختن با جمعیت اقوام ➤ کنگره اقوام برای ایران فدرال ➤ تکثر اقوام در ایران ➤ جامعه چند صدایی 	<p>۳</p>
<p>تبعیض اقتصادی</p>	<ul style="list-style-type: none"> ➤ حاشیه نشینی در مناطق قومی ➤ از میدان های نفت و گاز به جز دود (پالایشگاه ها) چیزی نصیب ما نمی شود ➤ توسعه نیافتگی مناطقی اقلیت‌های قومی ➤ محروم‌ترین بودن مناطق متعلق به اقلیت های قومی ➤ سرکوب هرگونه اعتراض برای بهبود وضعیت معیشتی و اجتماعی و فرهنگی ➤ وعده‌های پوشالی 	<p>۴</p>
<p>تبعیض اجتماعی</p>	<ul style="list-style-type: none"> ➤ عدم فعالیت اقلیت‌های قومی در پست‌های دولتی ➤ انتخاب نخستین سفیر سنی ➤ روند [کنند] ورود نیروهای کرد اهل سنت در پست‌های مدیریتی کشور ➤ سهم اقوام از مناصب دولتی 	<p>۵</p>

تبعیض فرهنگی	<ul style="list-style-type: none"> ➤ وجود تبعیض قومیتی و مذهبی ➤ رویه تحقیرآمیز نسبت به اقوام ➤ توهین به قومهای لر، ترک، کرد و بلوچ ➤ تدریس به زبان مادری ➤ تدریس زبان ترکی در مدارس آذربایجان ➤ حق رسمی استفاده از زبان های محلی و قومی ➤ تدریس زبان‌های مادری ➤ تدریس زبان مادری ➤ آموزش زبان‌های محلی و قومی ➤ زبان‌های محلی کردی و ترکی ➤ روز جهانی زبان مادری 	۶
--------------	---	---

(برگرفته از سایت صدای امریکا قابل دسترس در <https://ir.voanews.com>)

محورهای مورد توجه رادیو فردا از سال ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱

مؤلفه	مفهوم	ردیف
تبعیض فرهنگی	<ul style="list-style-type: none"> ➤ تبعیض حکومت شیعی جمهوری اسلامی ➤ تبعیض پیروان ادیان زرتشتی، یهودی و مسیحی 	۱
تبعیض اجتماعی	<ul style="list-style-type: none"> ➤ عدم امکانات لازم بهداشتی و رفاهی ➤ محرومیت اقوام از داشتن سمت‌های بالای دولتی ➤ عدم استفاده از شایستگان اقوام ➤ عدم مشارکت اقوام در سطوح بالای حیات سیاسی 	۲
تبعیض اقتصادی	<ul style="list-style-type: none"> ➤ تبعیض، فقر، بیکاری مناطق قومی ➤ گسترش صنایع در خدمت اتنیک [قوم] خاصی ➤ تنگی و سختی معیشتی هم‌وطنان عرب ➤ تنگی و سختی معیشتی اقوام در مقایسه با هم‌تباران در کشورهای همسایه ➤ عدم بهره‌مندی از ذخایر، معادن، ثروت و آب سرزمین آبا و اجدادی‌شان 	۳
تبعیض حقوقی و قانونی	<ul style="list-style-type: none"> ➤ اجرای اصل ۱۵ قانون اساسی برای همه قومیت‌ها ➤ حقوق شهروندی ➤ فقدان مساوات میان اقوام و مذاهب در ایران ➤ رعایت حقوق اقلیت‌ها از هر دسته و سنخی 	۴

تبعض امنیتی	<ul style="list-style-type: none"> ➤ فرهنگ سرکوب اقلیت‌ها 	۵
تبعض سیاسی	<ul style="list-style-type: none"> ➤ ایران کشوری برای همه ایرانیان ➤ خاک یک کشور بین همه اقلیت‌ها و مردمش مُشاع ➤ در تعیین سرنوشت خود نقشی ندارند ➤ شهروند درجه چندم ➤ تبعیض و نابرابری ➤ توزیع قدرت ➤ واگذاری اختیاراتشان به خودشان 	۶

(برگرفته از سایت رادیو فردا قابل دسترس در <https://www.radiofarda.com>)

محورهای مورد توجه شبکه بی بی سی از سال ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱

مؤلفه	مفهوم	ردیف
تبعض اقتصادی	<ul style="list-style-type: none"> ➤ غفلت از حاشیه‌ها و طبقات فرودست (اقوام) ➤ عمق فقر، تبعیض و وضعیت زندگی در مناطق قومی ➤ تبعیض‌های ریز و درشتی از فرهنگ و زبان تا اقتصاد ➤ تبعیض در جنبه‌های گوناگون زندگی 	۱
تبعض سیاسی	<ul style="list-style-type: none"> ➤ تبعیض‌های ریز و درشتی از فرهنگ و زبان تا اقتصاد ➤ احساس تبعیض و محرومیت ➤ رفع تبعیض ناروا ➤ تبعیض در جنبه‌های گوناگون زندگی ➤ مشارکت عمومی همه اقوام و ادیان ➤ ایران تکثرگرایی نیست 	۲
تبعض اجتماعی	<ul style="list-style-type: none"> ➤ اقلیت‌های اتمیکی در ایران از جمله عرب‌های اهوازی، ترک‌های آذربایجان، بلوچ‌ها، کردها و ترکمن‌ها کماکان با تبعیض‌های ریشه‌دار از جمله در زمینه دسترسی به آموزش، استخدام و مسکن مناسب روبرو هستند ➤ عدم استفاده از اقوام در مجلس و قوه‌ها و ادارات و وزارتخانه‌ها ➤ تبعیض در جنبه‌های گوناگون زندگی 	۳
تبعض امنیتی	<ul style="list-style-type: none"> ➤ افزایش موارد اعدام در میان اقلیت‌ها ➤ موج اعدام‌های زندانیان اقلیت‌های قومی ➤ اتهام «تجزیه طلبی» 	۴

	➤ ستم قومی	
تبعیض حقوقی	➤ به رسمیت شناخته شدن حق همه گروه‌های انسانی ➤ هر ایرانی باید به تمام حقوق خود دست یابد ➤ تبعیض در جنبه‌های گوناگون زندگی	۵
تبعیض فرهنگی	➤ خطر جدی مرگ برخی از زبان‌ها و گویش‌های رایج ➤ تبعیض به خاطر قومیت و هم به دلیل مذهبشان ➤ تبعیض‌های ریز و درشتی از فرهنگ و زبان تا اقتصاد ➤ تبعیض در جنبه‌های گوناگون زندگی	۶

(برگرفته از سایت بی بی سی فارسی قابل دسترس در <https://www.bbc.com/persian>)

مرور اخبار و مطالب شبکه‌های مورد بررسی نشان می‌دهد تاکید بر وجود تبعیض سیستماتیک گفتمان مسلط شبکه‌های مورد اشاره است که در اشکال مختلف حقوقی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی بازتاب پیدا می‌کند. به نظر می‌رسد القای وجود تبعیض سیستماتیک و نظام‌مند نسبت به اقوام، آنها را به سطح شهروندان درجه دوم، غیر خودی، بیگانه و نهایتاً یک غیر تبدیل می‌کند. در این صورت گویی با دو دسته از شهروندان مواجه هستیم؛ شهروندان درجه یک با برخورداری کامل از تمام حقوق و مزایا و شهروندان درجه دوم با حداقل برخورداری از حقوق و بهره‌مندی از امکانات. نابرابری سبب طردشدن افراد از اجتماع می‌شود و جامعه را لایه‌لایه کرده و شکاف‌های عمیقی را بین این لایه‌ها ایجاد می‌کند. به میزانی که نابرابری افزایش پیدا می‌کند، همدلی و انسجام اجتماعی کاهش پیدا می‌کند و به جای یک جامعه با وحدت ملی با جامعه پاره پاره مواجه هستیم.

حس شهروند درجه دوم و یا حس حاکی از غیرمنصفانه بودن شرایط می‌تواند اقلیت‌های نژادی و قومی را به سوی گسترش احساس تعلقات گروهی و قومی سوق دهد. این احساس پیوستگی که تا حدی از احساس بی‌عدالتی نظام‌مند ناشی می‌شود، اعضای گروه را به انسجام سیاسی و فعالیت قومی و درون گروهی ترغیب می‌کند. سازمان‌های قومی نه تنها می‌توانند محل ارزشمندی برای گفت و گو درباره مسائل عمده سیاسی باشند، بلکه می‌توانند در سازماندهی کارآمد و موثر در برابر چالش پیش رو از جمله بی‌عدالتی نظام‌مند به اعضای گروه کمک کنند. به عبارتی دیگر قرار گرفتن در معرض تبعیض به طور میانگین پیوستگی و فعالیت درون گروهی را افزایش می‌دهد. (تدین‌راد و نجف‌پور، ۱۴۰۱)

انسجام و یا بسیج قومی اقوام را به سمت پیگیری بدیل‌ها و جایگزین‌ها سوق دهد که از

فدرالیسم تا تجزیه و شکل‌گیری کشور مستقل و یا الحاق به کشور دیگر با هویت مشترک یا نزدیک به هویت قومی منجر شود. در مجموع نتایج القای تبعیض سیستماتیک را به شرح زیر می‌توان مورد شناسایی قرار داد؛

۱. القای بی‌اعتنایی نظام به مطالبات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی اقوام ایرانی؛
۲. برجسته‌سازی آسیب‌های اجتماعی شایع در مناطق قومی و انتساب آن‌ها به بی‌اعتنایی نظام به آن مناطق؛
۳. وارونه‌نمایی حقایق، به عنوان مثال معرفی قاچاق‌فروشان کشته‌شده به عنوان مبارز سیاسی؛
۴. بزرگ‌نمایی تفاوت‌های اقوام ایرانی با گروه‌های مرکزی و تلاش برای تبدیل تفاوت‌ها به اختلافات؛
۵. تلاش برای معرفی رهبران فکری و سران قبایل به عنوان رهبران لیدرهای سیاسی؛
۶. برجسته‌سازی عناصر خرده فرهنگ‌های قومی و تلاش برای رودررو قرار دادن آن با فرهنگ غالب جامعه؛
۷. بزرگ‌نمایی مزیت‌های نظام فدرالیسم و استقلال
۸. انتساب نارسایی‌ها، قصورها و کاستی‌های اجتماعی و اقتصادی مناطق قوم‌نشین ایران به نظام ایدئولوژیکی کشور
۹. اقوام ایرانی را نسبت به نظام جمهوری اسلامی ایران «بی‌اعتماد» کند؛
۱۰. نظام جمهوری اسلامی را از حمایت اقوام ایرانی به عنوان یک «سرمایه‌ی اجتماعی» محروم نمایند؛
۱۱. «تمایلات و اگراییانه»ی اقوام ایرانی را افزایش دهند؛
۱۲. «مشارکت» اقوام ایرانی را در فرایندهای سیاسی و اجتماعی کشور تقلیل دهند؛
۱۳. «آستانه‌ی تحمل» اقوام کشور را فرو بکاهند؛
۱۴. از میزان الگوگیری اقوام ایرانی، به‌ویژه نوجوانان مناطق قومی از الگوهای مذهبی، ملی، فرهنگی و علمی کشور بکاهند؛
۱۵. ترجیحات سیاسی اقوام ایرانی را دستخوش تغییر سازند؛
۱۶. بر میزان آمادگی اقوام ایرانی جهت دست‌بازیدن به «کنش‌های جمعی اعتراض‌آمیز» و «ناآرامی‌های اجتماعی» بیفزایند (نائینی، ۱۳۹۱، ۲۴۰-۲۳۹).

نتیجه‌گیری و ارائه راهکارها

زندگی سیاسی در هر کشوری به شیوه‌های گوناگون تحت تاثیر شکاف‌های اجتماعی حاصل آن کشور و نحوه صورت‌بندی آن شکاف‌ها قرار می‌گیرد. سه نوع تقسیم‌بندی برای شکاف‌های اجتماعی

شامل: شکاف‌های اجتماعی فعال و غیرفعال، ساختاری و تاریخی، متراکم و متقاطع بیان گردید. از نظر تأثیر گذاری بر زندگی سیاسی، شکاف‌های اجتماعی را باید به شکاف‌های فعال و غیرفعال بخش کرد. که جامعه ایران، جامعه ای در حال گذار است و در عین حال وام دار شکاف‌های جامعه سنتی بوده و از طرف دیگر باردار شکاف‌های جامعه مدرن می‌باشد. جامعه ایران با تعداد و تراکم شکاف‌های اجتماعی (شکاف طبقاتی، قومی - مذهبی، نسلی، جنسیتی و شکاف مرکز پیرامون) مواجه است. به دلیل تنوع قومیتی بالای ایران، شکاف قومی از با اهمیت ترین شکاف‌های ایران می‌باشد.

جنگ نرم مجموعه اقدامات برنامه ریزی شده ای است که موجب دگرگونی در هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری مورد قبول نظام سیاسی در عرصه‌های مختلف می‌شود و هدف آن سلب اراده و انگیزه از مردم و بی تفاوت نمودن بدنه‌ی اجتماعی و القای ناکارآمدی نظام سیاسی موجود در کشور است تا در این فرایند دشمن بتواند با تأثیرگذاری بر باور، ارزش‌های پایه‌ای و الگوهای رفتاری مردم یک کشور را تغییر داده و گروه‌هایی از جمعیت آن کشور را به جمعیت‌های بی تفاوت، مخالف و در نهایت معارض تبدیل نموده و در نهایت با از بین بردن اعتماد مردم به نظام، شرایط را برای مخالفت، شورش، اغتشاش و نافرمانی‌های مدنی آماده گرداند. از جمله ویژگی‌های جنگ نرم نیز ذهنی و غیرمحسوس بودن، تدریجی و آرام بودن و ... می‌باشد و در جامعه گروه‌های مختلفی مورد هدف جنگ نرم قرار می‌گیرند از جمله این گروه‌ها، افکار عمومی نخبگان، افکار عمومی توده، زنان، اقوام و اقلیت‌ها و ... می‌باشد. اقوام همانطور که اشاره شد از مهمترین مخاطبان و جامعه هدف جنگ نرم هستند. به نظر می‌رسد گفتمان غالب در رسانه‌های مورد بررسی القای «تبعیض سیستماتیک» حکومت مرکزی نسبت به اقوام است که نوعی تبعیض نهادمند و مستمر را نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد هدف از طرح تبعیض سیستماتیک هدف قرار دادن وحدت ملی از طریق خلق شهروند درجه یک و دو است تا زمینه را برای فروپاشی اجتماعی و سیاسی فراهم نماید. برای مقابله با جنگ نرم راهکارهای زیر در دو بخش پژوهشگران و تصمیم گیران و مسئولین پیشنهاد می‌شود؛

پژوهشگران

لازم است پژوهش‌های دیگری در زمینه الگوهای جنگ نرم در سایر اقوام ایرانی از جمله قوم عرب، بلوچ، و ... صورت گیرد. به این ترتیب می‌توان به الگوی غالب در میان تمام اقوام ایرانی، پی برد و راه‌های رسیدن عاملان جنگ نرم، به اهداف خود، از بین برد.

لازم است پژوهش‌هایی با هدف بررسی راه‌های ورود عاملان جنگ نرم، از طریق برنامه‌های

تولیدی شبکه‌های مختلف، از جمله سریال‌ها، فیلم‌های سینمایی و حتی برگزاری جشنواره‌ها و مسابقات صورت گیرد.

● تصمیم‌گیران و مسئولین

✓ نابرابری موجود در حوزه‌های مختلف به ویژه در مناطق قومی را باید با جدیت مورد بررسی قرار داده و اقدامات عاجل در رفع نابرابری‌ها صورت گیرد.

✓ دولت و نهادهای ذی‌ربط باید تلاش خود را مبذول دارند تا از تشدید شکاف‌های دیگری که می‌توانند شکاف قومی را فعال سازند، جلوگیری شود.

✓ از متراکم شدن دو شکاف قومیت و مذهب جلوگیری گردد. اگرچه مذهب در مناطقی در پیوند با قومیت به صورت متقاطع عمل می‌کند، در برخی دیگر از مناطق می‌تواند وضعیت شکاف‌های متراکم را پدید آورد. برای اجتناب از این امر، تاکید بر هویت اسلامی و وحدت اسلامی امری لازم محسوب می‌شود.

✓ سخنان توهین‌آمیز در قالب لطیفه‌های قومی یا شوخی که در مواردی در رسانه‌ها طرح می‌شود در بلندمدت می‌تواند شکاف اجتماعی بین اقوام را افزایش دهد. از این رو هم فرهنگ سازی به منظور جلوگیری از توهین، و هم توجه و دقت بیشتر برنامه‌سازان در امر تولید، ضروری می‌باشد.

✓ توسعه سواد رسانه‌ای به معنای تجهیز کردن مخاطبان رسانه‌ها به توانایی‌ها و مهارت‌های تحلیل، نقد و ارزیابی محتوای رسانه‌ها با این رویکرد که افراد، متفکرانی منتقد باشند، صورت گیرد. هدف اصلی سواد رسانه‌ای این است که از راه آموزش مهارت‌ها به همه افراد در برابر محیط آلوده رسانه‌ای عصر حاضر، کمک کند تا خود بتوانند در زمینه انواع رسانه‌ها، نقاد، دقیق و تحلیل‌گر باشند.

منابع

ابوطالبی، علی (۱۳۷۸)، حقوق اقلیت‌ها و همگرایی، ترجمه علی کریمی، مطالعات ملی، شماره ۳۲.

بشیریه، حسین (۱۳۸۸)، جامعه‌شناسی سیاسی، نشر نی.

پرچمی، داوود؛ درخشان، فاطمه (۱۴۰۰)، بررسی شکاف اجتماعی و عوامل موثر بر آن؛ مورد مطالعه: شهر تهران، جامعه‌شناسی کاربردی، دوره ۳۲، شماره ۳، شماره پیاپی ۸۳.

تدین راد، علی و سارا نجف پور (۱۴۰۱) اثر احساس تبعیض سیاسی و اجتماعی بر رفتار سیاسی ملی‌گرایانه و قوم‌گرایانه؛ مطالعه موردی قومیت‌های ساکن اهواز، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۲، پیاپی ۶۶.

جمشیدی، مهدی (۱۳۸۷)، بی‌ریشگی قومیت‌گرایی در جنبش دانشجویی ایران، روزنامه کیهان. چرامی، شهرزاد؛ ساروخانی، باقر؛ ازکیا، مصطفی (۱۳۹۷)، نقش فرهنگ تعاملی اقوام ایرانی در تقویت قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، هشتمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران همدلی اقوام ایرانی انسجام و اقتدار ملی، دوره ۱۱، شماره ۳۸، ۸۵-۱۰۰.

حلیمی، عمران (۱۳۹۶)، «نقش بحران هویت در واگرایی جهان اسلام»، جشنواره بین‌المللی پژوهشی شیخ طوسی، دوره ۲۰.

دهقان، یدالله و همکاران (۱۳۹۵)، تاثیر شکاف‌های اجتماعی بر شکل‌گیری و رشد افراط‌گرایی در سوریه، پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال پنجم، شماره ۲۰.

<https://www.radiofarda.com> رادیو فردا

زارعی، غفار (۱۳۹۴)، نقش فرهنگ تعاملی اقوام ایرانی در تقویت قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، هشتمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران همدلی اقوام ایرانی انسجام و اقتدار ملی، سندج.

<https://www.bbc.com/persian/iran> شبکه خبری بی بی سی

<https://ir.voanews.com/watch/news-> صدای آمریکا فارسی

عقیلی، وحید؛ فرحناز مصطفوی (۱۳۹۲)، ماهیت تهدید نرم، ابعاد و ویژگی‌ها، دانشنامه حقوق و سیاست، شماره ۱۹.

کیونگ کیم و جورج بارنت (۱۳۸۹)، "تحلیل شبکه‌ای جریان بین‌المللی خبری"، در کتاب: خبر تحلیل شبکه‌ای و تحلیل گفتمان، تالیف، حسن بشیر و همکاران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

محمدزاده، حسین؛ سعید خانی (۱۳۹۷)، زمینه‌های تاریخی و اجتماعی مؤثر بر شکاف قومی در ایران، مطالعات اجتماعی ایران، دوره دوازدهم، شماره ۳.

مرسلی، فاطمه (۱۳۹۴)، «شکاف‌های اجتماعی نوپدید و امنیت ملی پایدار، با تمرکز بر دغدغه‌های ایران ۱۴۰۴»، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی - گرایش جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

مرسلی، فاطمه، علی اشرف نظری (۱۳۹۵)، شکاف‌های اجتماعی نو پدید و تحلیل انسجام اجتماعی در ایران، پنجمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پایه پیشرفت؛ بیست و نهم و سی ام اردیبهشت ماه.

معین، محمد (۱۳۸۸)، فرهنگ فارسی، ج ۲، تهران، امیرکبیر.

مومنی راد، اکبر و همکاران (۱۳۹۲)، تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار نتایج، اندازه‌گیری تربیتی، شماره ۱۴، سال چهارم.

نای، جوزف (۱۳۸۷)، قدرت نرم، ترجمه محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، ج ۲، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).

نائینی، محمد (۱۳۹۱)، اصول مبانی جنگ نرم، تهران، نشر ساقی.

نواح، عبدالرضا؛ نبوی، سید عبدالحسین؛ حیدری، خیری (۱۳۹۵)، قومیت و احساس طرد اجتماعی: مخاطرات اجتماعی پیش رو (مورد مطالعه: قوم عرب شهرستان اهواز)، جامعه‌شناسی ایران، دوره هفدهم، شماره ۴.

نوروزی، محمد جواد و همکاران (۱۳۹۱)، دست در دست صبح انقلاب اسلامی، تهران، دفتر نشر معارف.

یوسفی جویباری، محمد؛ نجات پور، مجید؛ میری، مجتبی (۱۴۰۰)، شکاف مرکز- پیرامون و رفتار انتخابات دهم ریاست جمهوری در ایران، راهبرد سیاسی، دوره ۵، شماره ۳، شماره پیاپی ۱۸، ۸۹-۱۰۸.

Weil, Fredercik (1992). political party system in Egdar F. Bogartta and Maril, Bogratta Encyclopedia of Socialogy. Vol 3. New Yyork :Macmilan Publishing company